

A Critical Analysis of the Views of Translators and Interpreters on the Translation of the Verse “So go to Pharaoh ...”

Hamid Naderi Qahfarokhi  / Assistant Professor at the Department of Islamic Sciences, Shahrekord State University
Hamid.naderi@sku.ac.ir

Received: 2024/11/26 - Accepted: 2025/03/10

Abstract

Based on the verse 16 of *Sura al-Shu'ara'*, after announcing the prophethood of Moses and Aaron, God said «فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ...». Reviewing about forty Persian translations and eighty Qur'anic interpretations shows that despite five interpretations of this verse, almost all translators and many interpreters have rendered the verse as: "So go to Pharaoh." Given that the root of the word "أتى" means "to come," a question arises as to what evidence these researchers employed to attribute a meaning that is entirely contradictory to this root in this verse. Reviewing the interpreters' views in this regard is necessary to clarify their strengths or ambiguities and to correct potentially inaccurate translations. An analytical-critical study of the interpreters' views and other evidence indicates that this translation, despite its widespread acceptance, leads to a partial loss of the verse's meaning and overlooks the eloquence of the Qur'an. Therefore, the exact meaning of the verse is as follows: "So come to Pharaoh [I am there]" or "Come to Pharaoh at ease [I am there]." Unlike the popular translation, this translation has some strengths such as "conformity to the literal meaning of the root "أتى", "possessing eloquence," and "maintaining the psychological state of Moses and Aaron when receiving the command."

Keywords: Verse 16 of *Sura al-Shu'ara'*, Verse 47 of *Sura Tā hā*, «فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ...», Fear of Moses and Aaron.

نوع مقاله: پژوهشی

تحلیلی انتقادی بر دیدگاه مترجمان و مفسران در ترجمه آیه «فَأْتِيا فِرْعَوْنَ...»

hamid.naderi@sku.ac.ir

حمید نادری قهفرخی  / استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه دولتی شهرکرد

دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۶ - پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۰

چکیده

بر اساس آیه ۱۶ سوره شعراء، خداوند بعد از ابلاغ رسالت موسی و هارون علیه السلام فرمود: «فَأْتِيا فِرْعَوْنَ...». بررسی حدود چهل ترجمه فارسی و هشتاد تفسیر قرآن نشان می‌دهد که با وجود پنج دیدگاه در تفسیر این آیه، تقریباً همه مترجمان و طیف وسیعی از مفسران، آیه را این‌گونه معنا کرده‌اند: «پس نزد فرعون بروید». با توجه به اینکه ریشه ماده «آتی» به معنای آمدن است، این سؤال مطرح می‌شود که این محققان با توجه به چه قرینه‌ای، معنایی کاملاً متضاد با این ماده را در این آیه در نظر گرفته‌اند؟ بازخوانی دیدگاه مفسران در این زمینه برای روشن شدن نقاط مثبت یا مبهم آنها و اصلاح ترجمه‌های احتمالاً نارسا، ضرورت بررسی این دیدگاه را روشن می‌کند. بررسی تحلیلی - انتقادی دیدگاه مفسران و سایر شواهد نشان می‌دهد که این ترجمه با وجود کثرت طرف‌دارانش، موجب از بین رفتن قسمتی از معنای آیه و نادیده گرفتن بلاغت قرآن خواهد شد؛ از این‌رو معنای دقیق آیه این‌گونه است: «پس نزد فرعون بیایید [من آنجا حاضرم]» یا «با سهولت و آسانی نزد فرعون بیایید [آنجا حضور دارم]». این ترجمه، برخلاف ترجمه مشهور، دارای نقاط قوتی است، از قبیل «هماهنگی با معنای لغوی ماده آتی»، «رعایت بلاغت» و «رعایت حالت روانی موسی و هارون علیه السلام هنگام دریافت دستور».

کلیدواژه‌ها: آیه ۱۶ سوره شعراء، آیه ۴۷ سوره طه، «فَأْتِيا فِرْعَوْنَ...»، ترس موسی و هارون علیه السلام.

داستان برگزیده شدن موسی علیه السلام برای نجات بنی اسرائیل و رفتن به سوی فرعون، در چند سوره از قرآن کریم آمده است (نمل: ۱۳-۷؛ قصص: ۲۹-۳۵). خداوند طه بعد از انتخاب موسی علیه السلام و قرار دادن هارون علیه السلام به عنوان وزیر وی، خطاب به آنان می فرماید:

اذهب أنت وأخوك بآياتي ولا تبيا في ذكري * اذهبوا إلي فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغٰى * فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشٰى * قَالَا رَبَّنَا إِنَّنَا نَخَافُ أَنْ يُفْرِطَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطْغٰى * قَالَ لَا تَخَافَا إِنِّي مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَأَرٰى * فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرٰئِيلَ وَلَا تَعْذِْبْهُمْ (طه: ۴۲-۴۷)؛

تو و برادرت با نشانه‌هایی من بروید و در یاد من سستی نکنید * به سمت فرعون بروید؛ [زیرا] او طغیان کرده است * پس با او سخنی نرم بگویید؛ شاید متذکر شود یا بترسد * گفتند: «پروردگار ما! در واقع می ترسیم که بر ما درازدستی یا طغیان کند» * (خداوند) فرمود: «ترسید؛ [زیرا] من با شما هستم؛ درحالی که می شنوم و می بینم * پس به سوی او بروید [؟] و بگویید: در واقع ما فرستادگان پروردگار توایم.

همین جریان در سوره شعراء این گونه آمده است: «قَالَ كَلَّا فَاذْهَبَا بِآيَاتِنَا إِنَّا مَعَكُمْ مُسْتَمْعُونَ * فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (شعراء: ۱۵-۱۶)؛ گفت: چنین نیست، پس شما آیات ما را ببرید؛ به یقین ما همراه شما شنونده‌ایم * پس به نزد فرعون رفته [؟] و بگویید: بدون شک ما فرستاده پروردگار جهانیانیم. بررسی این آیات این سؤال را مطرح می کند که چرا خداوند در ابتدا از فعل «اذهبوا» و در ادامه از عبارت «فأتیا» استفاده کرده است؟ آیا در وراى این تغییر افعال نکته‌ای نهفته است؟ بررسی تفاسیر و ترجمه‌های قرآن نشان می دهد که غالب نزدیک به اتفاق مترجمان، فقره «فأتیا فِرْعَوْنَ...» و «فأتیا» را همانند «اذهبوا» به معنای «رفتن به سوی فرعون» ترجمه کرده‌اند. برای نمونه، می توان به این موارد اشاره کرد: «بنابراین [بدون بیم و هراس] به سوی او بروید» (انصاریان)؛ «به سراغ او بروید» (مکارم شیرازی؛ رضایی اصفهانی)؛ «پس به نزد او روید» (مشکینی)؛ «بنابراین نزد او بروید» (گرمارودی)؛ «بنابراین پیش او بروید» (فارسی)؛ «اینک به سوی او بروید» (صلواتی)؛ «شما به سراغ او بروید» (پورجوادی؛ حجتی)؛ «نزد او بروید» (طاهری)؛ «اینک هر دو به جانب فرعون رفته» (الهی قمشه‌ای)؛ «به نزد وی روید» (پاینده)؛ «پس به سوی او بروید» (فولادوند). همین وضعیت در تفاسیر زیادی دیده می شود.

در مقابل، تعداد بسیار کمی از مترجمان و مفسران آیه را این گونه معنا کرده‌اند: «پس بیایید او را» (ترجمه قرن دهم)؛ «پس نزد او بیایید [من آنجا حاضرم]» (بهرام‌پور)؛ «فأتیا: پس بیایید؛ فِرْعَوْنَ: بفرعون» (کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹، ص ۸۱۰). برخی مفسران هم این فقره را به معنای «وصول و حاضر شدن پیش فرعون» معنا کرده‌اند؛ اما اثر بسیار کم‌رنگی از این دیدگاه در ترجمه‌ها دیده می شود: «بنابراین خود را به فرعون برسانید» (انصاریان). بدیهی است که پذیرش هر کدام از این اقوال می تواند آثار و لوازمی در برداشت از داستان موسی علیه السلام داشته باشد. با وجود این، بررسی‌ها نشان می دهد که: اولاً در بسیاری از تفاسیر به این اختلاف تعبیر توجه نشده است؛ ثانیاً برخی تفاسیر با وجود توجه به این اختلاف، فقط توجیهاتی در راستای تکراری نبودن امر در دو فعل «فأتیا» و «اذهبوا» ارائه

کرده‌اند (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۰، ص ۶۷؛ ابوالسعود، بی‌تا، ج ۶ ص ۲۳۷؛ ابن‌عجیبه، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۱۲۷). همین وضعیت در آثاری نیز مشاهده می‌شود که در راستای روشن کردن معنای واژگان قرآنی و دلایل بلاغت آنها کوچک‌ترین اختلاف تعبیر را مورد بررسی‌های دقیق قرار داده‌اند (واعظ‌زاده خراسانی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۹۳-۲۴۶)؛ ثالثاً هیچ منبعی به این سؤال جواب نداده است که چرا غالب نزدیک به اتفاق مترجمان قرآن کریم برای این آیه معنایی (رفتن) کاملاً متضاد با ماده «أتی» (آمدن) در نظر گرفته‌اند.

بر همین اساس برای کشف مراد حقیقی خداوند از این آیات، ضروری است که مستند این اقوال، به‌خصوص مستندات ترجمه مشهور، با دقت بررسی شود. ازسوی‌دیگر، چون ترجمه قرآن عصاره تفسیر آن است، برای پیدا کردن نقاط قوت یا ابهام هر ترجمه‌ای لازم است مستندات تفسیری آن بررسی شود. بر همین اساس برای رسیدن به این هدف و برای فراهم آوردن زمینه لازم برای قضاوت بین ترجمه‌ها و تفاسیر، در ابتدا مؤلفه‌های مؤثر در تفسیر آیه مورد بحث استخراج می‌شوند. در پایان نیز تلاش می‌شود با استفاده از این مؤلفه‌ها تفاسیر و ترجمه‌های موجود مورد ارزیابی قرار گیرند.

۱. بررسی مؤلفه‌های مؤثر در تفسیر «فَأْتِيَ فِرْعَوْنَ...»

در قسمت بعد ثابت می‌شود که مفسران در تفسیر آیه «فَأْتِيَ فِرْعَوْنَ...» پنج دیدگاه متفاوت دارند. بدیهی است که قضاوت بین این دیدگاه‌ها زمانی کامل است که همه مستندات و جوانب این آیه با دقت بررسی شده باشد. غفلت از یک مستند یا نادیده گرفتن آن، بسته به میزان اهمیت آن، بدون شک از ارزش قضاوت می‌کاهد. ازاین‌رو برای بررسی و فهم دقیق این آیه، قبل از هر اظهار نظری لازم است تمامی جوانب و زوایای آن مورد بررسی قرار گیرد. به نظر می‌رسد که مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر در تحلیل این آیه عبارت‌اند از:

۱-۱. معنای ماده «أتی»

لغت‌شناسان در روشن کردن معنای این ماده به سه گروه تقسیم می‌شوند:

گروه اول: تعداد قابل‌توجهی از لغت‌شناسان با عبارت‌هایی تقریباً مشابه، فقط معنای «آمدن» را برای این ماده نقل کرده‌اند؛ برای نمونه می‌توان به عبارت یکی از این محققان اشاره کرد: «الإتيان: المجيء، وقد أتيت به أتية، وأتيت به على ذلك الأمر موأاة: إذا وافقته وطاوعته» (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۶ ص ۲۲۶؛ فیومی ۱۹۸۷م، ج ۲، ص ۳؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۱۳؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۱؛ موسی والصعید، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۸۷؛ زمخشری، ۱۳۸۶، ص ۱۶؛ ابن‌سیده، ۱۴۲۱ق، ج ۹، ص ۵۴۵).

گروه دوم: تعدادی از لغویین، علاوه بر معنای «آمدن»، «حاضر شدن» را هم به‌عنوان معنای این ماده ذکر کرده‌اند: «أتی المكان، جاءه وحضره إتياناً» (ابن‌مطرزی، ۱۹۷۹م، ج ۱، ص ۲۵؛ مهیار، بی‌تا، ج ۱، ص ۹). گروه سوم: تعدادی از لغویین به معنای «آمدن به‌آسانی یا همراه با جریان طبیعی» اشاره کرده‌اند:

ریشه واحد در این ماده، همان آمدن همراه با سهولت و جریان طبیعی است؛ خواه این ماده به صورت لازم استعمال شود یا متعددی؛ به صورت [ثلاثی] مجرد باشد یا مزید؛ خواه آمدن در مکان باشد یا در زمان و خواه فاعل یا مفعول محسوس باشد یا معقول. بنابراین خصوصیات آمدن با اختلاف مورد، مختلف خواهد بود (مصطفوی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۹؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۰ و اعطزاده خراسانی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۵۰).

چنان که ملاحظه می شود، معنای گروه اول و دوم مطلق است و شامل هر آمدنی می شود؛ خواه آمدن همراه با سهولت و آسانی باشد، خواه با سختی؛ اما معنای گروه دوم مقید است و فقط آمدن همراه با سهولت را دربرمی گیرد.

برای برجسته شدن تفاوت بین گروه اول و سوم، اشاره به این نکته ضروری است که بیشتر لغت شناسان گروه اول به «اصل عدم ترادف در قرآن» اعتقادی ندارند؛ از همین رو برای روشن کردن معنای ماده «أتی»، از واژه «جاء»، و برای تعیین معنای ماده «جاء»، از «أتی» بهره برده اند: «المَجِيءُ: الإِتْيَانُ» (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۲)؛ «جِئْتُ زَيْدًا إِذَا أَتَيْتَ إِلَيْهِ» (فیومی، ۱۹۸۷م، ج ۱، ص ۱۱۶)؛ «المَجِيءُ: الإِتْيَانُ» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۱۹)؛ «المَجِيءُ: الإِتْيَانُ والحضور» (موسی و الصعید، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۵۲)؛ «[جاء] جِئْتُ وَمَجِيئًا: إِذَا أَتَى إِلَيْهِ» (حمیری، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۱۲۳۴)؛ «جَاءَ يَجِيءُ جِئًا وَجِئًا: أَتَى» (فیروزآبادی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۱۰)؛ «جَاءَ زَيْدٌ مِنَ السُّوقِ إِلَى بَيْتِهِ: أَتَى» (حیدری، ۱۳۸۱، ص ۱۲۱)؛ «جَاءَ يَجِيءُ جِئًا، وَمَجِيئًا، وَجِئَةً: أَتَى وَخَصَرَ» (مدنی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۵۲). این در حالی است که لغت شناسان گروه سوم ضمن به کارگیری مشتقات «أتی» برای روشن کردن معنای ماده «جاء»، تصریح می کنند که این دو ماده با هم تفاوت دارند: «جَاءَ يَجِيءُ وَمَجِيئًا، وَالْمَجِيءُ هَمَانْدُ «إِتْيَان» است؛ اما «مَجِيء» اعم [از ایتیان] است؛ زیرا «إِتْيَان» آمدن به سهولت است و «إِتْيَان» گاهی مواقع به اعتبار قصد است؛ هر چند چیزی حاصل نشود و «مَجِيء» به اعتبار حصول است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۱۲). چنان که ملاحظه می شود، این متن برای روشن کردن معنای ماده «أتی»، قید «به سهولت» را به معنای ماده «جاء» افزوده است.

با این توضیحات، روشن می شود که معنای مورد اتفاق همه لغت دانان برای ماده «أتی»، بدون هیچ شکی «آمدن» است؛ اگرچه از نظر تعدادی از آنان، «آمدن همراه با سهولت و آسانی» هم معنای این ماده خواهد بود. اشاره به این نکته نیز ضروری است که به نظر می رسد «وصول، حضور و حاضر شدن»، جزء لوازم «آمدن» باشد (که با استفاده از تحلیل به دست آمده است)، نه معنایی در عرض آن؛ زیرا تعداد قابل توجهی از لغت شناسان به این معنا هیچ اشاره ای نکرده اند. اگر واقعاً در استعمالات زبان عربی این معنا هم جزء معانی اصلی این ماده بود، دست کم باید به صورت احتمال به آن اشاره ای می کردند. افزون بر این، این گروه از لغت شناسان هیچ شاهد مثالی از شعر یا قرآن و احادیث ارائه نکرده اند که به صورت صریح این معنا را برساند (ر.ک: ابن مطرزی، ۱۹۷۹م، ج ۱، ص ۲۵؛ مهیار، بی تا، ص ۹)؛ درحالی که سایر کتاب های لغت مثال های زیادی برای اثبات معنای «آمدن» ارائه کرده اند (ر.ک: جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۶، ص ۲۲۶۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۱۳). برای این برداشت، دست کم می توان به دو مؤید هم اشاره کرد:

مؤید اول: گروهی از محققان بعد از بررسی کتاب‌های لغت در یک جمع‌بندی این‌گونه اظهار نظر کرده‌اند که ریشه ماده «أتی» همان آمدن به سهولت و آسانی و رضایت است؛ سپس از این معنا، معانی نزدیک یا دور دیگری بر اساس اقتضای سیاق منشعب می‌شود (واعظ‌زاده خراسانی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۵۰)؛ اما در عین حال، این گروه «وصول و حضور» را یکی از معانی منشعب از همان ماده ذکر نکرده‌اند. اگر در زبان عربی شاهد مثال معتبری برای این معنا وجود داشت، به احتمال زیاد (قریب به یقین) به این شاهد مثال و معنای آن اشاره‌ای می‌شد؛

مؤید دوم: برخی از مفسران، با اینکه در ابتدا «إتیان» را به معنای وصول در نظر می‌گیرند، در ادامه تصریح می‌کنند که «إتیان» همان «آمدن» است:

فَاتِيَاءُ: (موسی و هارون عليه السلام) به «إتیان» (فرعون) امر شدند که عبارت است از وصول و رسیدن به او [فرعون] بعد از اینکه به رفتن سوی او امر شدند. بنابراین تکراری [در این آیات] نیست و «إتیان» آمدن به سهولت است؛ و «إتیان» گاهی مواقع به اعتبار قصد است، هر چند چیزی حاصل نشود؛ و «مَجِئ» به اعتبار حصول است (حقی بروسوی، بی تا، ج ۵، ص ۳۹۲).

این عبارت نشان می‌دهد که از نظر این مفسر، ارتباط محکمی بین وصول و آمدن وجود دارد؛ به همین دلیل این دو را در کنار هم در یک عبارت آورده است. فهم این مفسر می‌تواند قرینه مناسبی باشد بر اینکه وصول می‌تواند لازمه آمدن باشد. به نظر می‌رسد که مجموع این نکته‌ها بتواند انسان را به این اطمینان برساند که حضور و وصول معنایی در عرض معنای آمدن برای ماده «أتی» نیست؛ بلکه لازمه آن است. با وجود این، اگر کسی این نکته را نپذیرد و اصرار کند که حضور و آمدن دو معنای جداگانه برای این ماده‌اند، در این صورت در تحلیل آیه باید هر دو معنا را در نظر گرفت.

۱-۲. قواعد بلاغی

بنا بر تعریف مشهور، «بلاغت در کلام، مطابقت آن با مقتضای حال، همراه با فصاحت [الفاظ] آن است» (خطیب قزوینی، بی تا، ص ۱۹-۲۱؛ تفتازانی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۰؛ هاشمی، بی تا، ص ۴۰). بر همین اساس، «عمود بلاغت بر آن است که [برای رعایت مقتضای حال باید] هر لفظی در جایگاه خاص خودش قرار گیرد؛ به شکلی که اگر جای آن عوض شود، معنا تغییر می‌یابد و چه بسا موجب فساد کلام می‌شود یا رونق کلام از بین می‌رود» (خطابی، بی تا، ص ۲۹). در همین راستا، «اگر لفظ از جهت لغت توانایی تحمل بیشتر از یک معنا را دارد، [اما] بلاغت جز یک معنا را در یک مقام جایز نمی‌داند؛ معنایی که به وسیله خود لفظ ادا می‌شود [و] غیر از آن، لفظ توانایی ادای آن را ندارد» (بنت الشاطی، بی تا، ج ۱، ص ۳۹). بنابراین یکی از شاخصه‌های سنجش بلاغت متن، استعمال الفاظ و عباراتی است که بدون جایگزین بوده یا جایگزین بسیار کمی داشته باشند. از این رو واژگان به کاررفته در یک متن، هرچه به این شاخصه نزدیک‌تر باشند، آن متن بلیغ‌تر خواهد بود (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۴۲۷).

از سوی دیگر، اعجاز بلاغی قرآن یادآور می‌شود که «قرآن معجزه است؛ زیرا دارای فصیح‌ترین الفاظ و در زیباترین قالب‌های جمله و دربردارنده کامل‌ترین و صحیح‌ترین معانی است» (خلف‌الله و سلام، بی تا، ص ۲۷). بر

همین اساس، اگر خداوند در سوره طه و شعراء ابتدا ماده «ذهب» و در ادامه ماده «أتی» را به کار می گیرد، قطعاً باید همین دو واژه به کار می رفتند و استعمال واژه های دیگر باعث نادیده گرفته شدن قسمتی از مقتضای حال می شد؛ از این رو باید فضای صدور هر کدام از این آیات را بررسی کرد تا مقتضای حال در هر دو کاربرد روشن شود. بر همین اساس به نظر می رسد که بررسی داستان مبعوث شدن موسی و هارون علیهم السلام بتواند مقتضای حال و فضای صدور این آیات را روشن کند.

۱-۳. حالت روانی موسی و هارون علیهم السلام در هنگام صدور آیه

بر اساس آیات سوره طه، نمل و قصص، موسی علیه السلام بلافاصله پس از مبعوث شدن به پیامبری، از تبدیل عصای خود به مار ترسید و فرار کرد: «فَالْقَاهَا فَإِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعَى قَالَ خُذْهَا وَلَا تَخَفْ سَعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَى» (طه: ۲۰-۲۱)؛ «وَأَلْقَى عَصَاكَ فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَا مُوسَى لَا تَخَفْ إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَيَّ الْمُرْسَلُونَ» (نمل: ۱۰)؛ «وَأَنَّ أَلْقَى عَصَاكَ فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَا مُوسَى أَقْبِلْ وَلَا تَخَفْ إِنَّكَ مِنَ الْآمِنِينَ» (قصص: ۳۰).

در ادامه، موسی علیه السلام با فعل «أَذْهَبَ» مأمور می شود که به سمت فرعون برود: «أَذْهَبْ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى» (طه: ۲۴). آن حضرت بعد از دریافت این مأموریت، در خصوص دو مسئله «تکذیب شدن» و «کشته شدن» اظهار ترس و نگرانی کرد. بر همین اساس، برای غلبه بر مشکلات از خداوند خواست که هارون علیه السلام را هم کنار او قرار دهد: «قَالَ رَبِّ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ * وَيَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي فَأَرْسِلْ إِلَى هَارُونَ * وَلَهُمْ عَلَى ذَنْبٍ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ» (شعراء: ۱۲-۱۴)؛ «قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ * وَأَخِي هَارُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسَلْهُ مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ» (قصص: ۳۳-۳۴). در سوره طه، علاوه بر وزارت هارون علیه السلام، درخواست های دیگری نیز مطرح می شود: «قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي * وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي * وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي * يَفْقَهُوا قَوْلِي * وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي * هَارُونُ أَخِي * أَشَدُّ بِهِ أَزْرًى * وَأَسْرِكُهُ فِي أَمْرِي * كَيْ نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا * وَنَذْكُرَكَ كَثِيرًا * إِنَّكَ كُنْتَ بِنَا بَصِيرًا» (طه: ۲۵-۳۵). به دنبال مطرح شدن این درخواست ها، خداوند با عبارات مختلف تأکید می کند که همه آنها برای آن حضرت فراهم شده است: «قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَا مُوسَى» (طه: ۳۶) و «قَالَ سَنَشُدُّ عَضْدَكَ بِأَخِيكَ» (قصص: ۳۵). علاوه بر این، در همین مرحله خداوند در سوره طه به موسی علیه السلام یادآوری می کند که پیش تر نیز ما در مقاطع مختلف به تو کمک کرده ایم؛ مقاطعی از قبیل «نجات از کشته شدن در کودکی از طریق الهام به مادر موسی علیه السلام»، «نداختن محبت موسی علیه السلام به دل فرعون»، «برگرداندن آن حضرت به دامن مادر از طریق خواهر»، «نجات از دست مأموران فرعون در پی کشتن فردی در مصر» و «سکونت در مدین» (طه: ۳۷-۴۰).

در مرحله بعد، خداوند با فعل «أَذْهَبَ» به موسی و هارون علیهم السلام ابلاغ می کند که همراه هم به سوی فرعون بروند: «أَذْهَبْ أَنْتَ وَ أَخُوكَ بِآيَاتِي وَلَا تَنِيَا فِي ذِكْرِي * أَذْهَبَا إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى» (طه: ۴۲-۴۳). در این مرحله نیز مانند

مرحله قبل، آن حضرت همراه با هارون علیه السلام اظهار ترس کرد: «قَالَ رَبَّنَا إِنَّا نَخَافُ أَنْ يُفْرِطَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطْغَى» (طه: ۴۵). خداوند بعد از این واکنش، علاوه بر تکرار مأموریت با فعل «ادْهَبْ»، تأکید می‌کند که همراه آنان حاضر خواهد بود: «قَالَ كَلَّا فَادْهَبَا بِآيَاتِنَا إِنَّا مَعَكُمْ مُسْتَمِعُونَ» (شعراء: ۱۵)، «قَالَ لَا تَخَافَا إِنَّنِي مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَأَرَى» (طه: ۴۶)؛ اما در پایان، این مأموریت با افعال «فَأْتِيَاهُ» (طه: ۴۶) و «فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ» (شعراء: ۱۶) ابلاغ می‌شود.

چنان‌که ملاحظه می‌شود، فضای روانی حضرت موسی علیه السلام در مرحله اول، همراه با ترس است. همین حالت روانی در مرحله دوم و قبل از دریافت دستور نهایی (فَأْتِيَاهُ) همراه با حضرت هارون علیه السلام نیز مشاهده می‌شود؛ گویا قصد داشتند با اظهار این ترس، از خداوند تضمین‌هایی برای موفقیت در رسالت دریافت کنند. از این‌رو در هنگام تفسیر آیه مورد بحث باید به ترس این دو پیامبر در این صحنه (هرچند در حد یک احتمال) توجه داشت.

۲. بررسی دیدگاه مفسران درباره عبارت «فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ...»

بررسی آثار تفسیری نشان می‌دهد که مفسران در تفسیر این آیه دست‌کم پنج دیدگاه داشته‌اند که در ادامه تشریح می‌شود.

۲-۱. عدم ارائه هیچ توضیحی درباره عبارت «فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ...»

برخی مفسران هیچ توضیح یا ترجمه‌ای درباره این آیه ارائه نکرده‌اند: «ثم أمرهما بأن يأتياه» (طوسی، بی‌تا، ج ۷، ص ۱۷۷)؛ «فَأْتِيَاهُ أَيُّ فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۲۲)؛ «قوله: فَأْتِيَاهُ فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ أَرْسَلْنَا إِلَيْكَ» (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۶، ص ۱۳۰) و «فَأْتِيَاهُ فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ» (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۲۹).

بررسی: به نظر می‌رسد که از نگاه این مفسران، معنای آیه به دلیل روشن بودن نیازی به افزودن هیچ توضیحی نداشته است. البته بررسی سایر اقوال نشان می‌دهد که تکیه کردن به وضوح ظاهری آیه، در این مورد شایسته نیست.

۲-۲. تفسیر «فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ...» به «رفتن به سوی فرعون»

غالب مترجمان قرآن کریم و تعداد قابل‌توجهی از مفسران، عبارت مورد بحث را به صورت صریح به معنای «رفتن به سوی فرعون» معنا کرده‌اند. به تعدادی از ترجمه‌ها در مقدمه اشاره شد. برای تکمیل این ادعا می‌توان به عبارت برخی از این مفسران نیز اشاره کرد: «شما به سراغ او بروید» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۲۱۰)؛ «فَأْتِيَاهُ، به او شوی» (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۳، ص ۱۵۴)؛ «فَأْتِيَاهُ فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ... فَاذْهَبَا إِلَيْهِ» (سبزواری، ۱۴۱۹، ج ۳۱۹)؛ «فَأْتِيَاهُ فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ. پس بروید به جانب فرعون» (حسینی شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۸، ص ۲۷۷)؛ «فَأْتِيَاهُ أَيُّ اذْهَبَا إِلَيْهِ» (حسینی شیرازی، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۴۸۲). در این میان، برخی مفسران با تصریح بیشتری ابراز کرده‌اند که «فَأْتِيَاهُ» همان امر به رفتن است: «ثم إنه سبحانه أعاد ذلك التكليف» (رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۲، ص ۵۵)؛ «فَأْتِيَاهُ فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ إِلَى آخِرِ الْآيَةِ، جدد أمرهما بالذهاب إلى فرعون» (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۴، ص ۱۵۷)؛ «[فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ] بيان لقوله في الآية السابقة: فَاذْهَبَا بِآيَاتِنَا» (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۵، ص ۲۶۰).

بررسی: این گروه از مفسران به دلیل قرار گرفتن فعل «فَأْتِيا» بعد از «إِذْهَبَا»، به صورت ناخواسته یا با التفات کامل به تغییر افعال، برای عبارت «فَأْتِيا» همان معنای رفتن را در نظر گرفته‌اند. به نظر می‌رسد که سه عامل مهم در انتخاب شکل‌گیری این تفسیر نقش داشته است:

دلیل اول: استعمال دو فعل «أتی» و «ذهب» به جای همدیگر در سوره طه و شعرا در یک موقعیت می‌تواند نقش مهمی در انتخاب این تفسیر داشته باشد؛ زیرا خداوند در سوره طه قبل از انتخاب هارون علیه السلام به عنوان وزیر موسی علیه السلام، خطاب به وی می‌فرماید: «إِذْهَبْ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى» (طه: ۳۴)؛ اما در همین موقعیت در سوره شعراء آمده است: «وَإِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَى أَنْ ائْتِ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ * قَوْمَ فِرْعَوْنَ أَلا يَتَّقُونَ» (شعراء: ۱۰-۱۱). چنان که ملاحظه می‌شود، به طور دقیق در یک موقعیت در آیه اول فعل «إِذْهَبْ» و در آیات سوره شعراء فعل «اِئْتِ» به کار رفته است. این نحوه استعمال می‌تواند حاکی از یکسان بودن معنای دو فعل در این دو سوره باشد.

دلیل دوم: تصور مفسران در هنگام تفسیر آیات از صحنه وقوع این حادثه می‌تواند تأثیر مثبتی در انتخاب این دیدگاه داشته باشد؛ زیرا وقتی در یک گفت‌وگوی سه نفره، یکی از آنان به دو نفر دیگر بگوید: «إِذْهَبَا إِلَى مَكَانٍ كَذَا»، چون متکلم در کنار دو نفر دیگر قرار دارد، باید بقیه به سمت نقطه مورد نظر حرکت کنند. حال اگر بعد از رد و بدل شدن چند جمله دیگر، بلافاصله همین فرد همان جمله را به صورت «اِئْتِيا مَكَانٍ كَذَا» بیان کند، بسیار بعید است که فضا و تصویر حاکم بر اذهان از جمله قبل، اجازه دهد که معنایی غیر از «رفتن» از جمله دوم به ذهن خطور کند؛ و حتی اگر هم کسی به این تفاوت تعبیر توجه کند، فضای حاکم به عنوان قرینه حالیه می‌تواند باعث نادیده گرفته شدن این تفاوت باشد.

دلیل سوم: عدم التفات خواسته یا ناخواسته به فضای روانی موسی و هارون علیه السلام هنگام دریافت این دستور نیز می‌تواند به نحو مؤثری در انتخاب این تفسیر نقش داشته باشد؛ زیرا با این عدم التفات، مفسر یا مترجم خود را موظف نمی‌بیند که معنای فعل مورد نظر را با استفاده از این فضا انتخاب کند.

با وجود این، به نظر می‌رسد که این دیدگاه با چالش‌های جدی مواجه باشد؛ زیرا:

اولاً پیش‌تر گذشت که ماده «أتی» در لغت به معنای «آمدن یا حاضر شدن» است؛ درحالی که لغت‌شناسان برای «ذهب» معنای «رفتن و مرور» را معرفی کرده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۳۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۳۹۳؛ مصطفوی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۳۳۸؛ واعظ‌زاده خراسانی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۶۶۷). از این رو این دو لفظ بر دو معنای متقابل دلالت دارند؛ زیرا در «آمدن»، روی کردن (به چیزی) از نقطه معینی مدنظر است؛ درحالی که در «رفتن»، حرکت از نقطه معینی به صورت پشت کردن در نظر گرفته می‌شود؛ از این رو جهت مورد نظر در «رفتن»، همان پشت کردن به نقطه‌ای و در «آمدن» حرکت و روی آوردن به سوی جهتی است (مصطفوی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۳۶۵).

تأثیر خلاف ظاهر بودن این تفسیر را در ناهمگون بودن عبارات برخی از مترجمان و مفسران می‌توان مشاهده کرد. توضیح اینکه یکی از اشکالات رایج در ترجمه، عدم رعایت «قاعده همگونی در ترجمه» است. بر اساس این قاعده، برای ترکیب‌ها، جمله‌ها و کلمات مشابه باید معادل‌یابی دقیق صورت گیرد و بر اساس آن، سراسر متن به صورت یکدست و یکسان ترجمه شود (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵، ص ۲۱۲). بر همین اساس با توجه به وجود آیه مورد بحث در دو سوره طه و شعراء، قاعدتاً باید برای هر دو ترجمه‌ای یکسان ارائه شود. بسیاری از مترجمان به این قاعده پایبند بوده‌اند (برای نمونه: رضایی اصفهانی، فولادوند، فارسی و...)؛ اما در برخی دیگر، ناهمگونی دیده می‌شود: «بنابر این [بدون بیم و هراس] به سوی او بروید» و «بنابر این خود را به فرعون برسانید» (انصاریان)؛ «پس بروید پیش وی» و «پس بیایید به فرعون» (دهلوی)؛ «فَأْتِيَاهُ فَقُولَا: به او روید و گویند» و «فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ: آید بر فرعون» (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۱۶؛ ج ۷، ص ۸۲). شاید معقول‌ترین نکته در توجیه این ناهمگونی، (اگر اعتقاد به ترادف «ذهب» و «آتی» در نظر گرفته نشود)، همان خلاف ظاهر بودن ترجمه اول است؛ با این توضیح که این محققان در ابتدا در سوره طه در اثر عواملی مثل کثرت طرفداران، برای «اتیان» معنای رفتن را در نظر گرفته‌اند؛ اما بعد از گذشت مدتی از این ترجمه و رسیدن به سوره شعراء، بر اساس معنای مرتبط در ذهن خود (آمدن) و مطابق با معنای اصلی «آتی» عمل کرده‌اند.

همچنین در یکی از تفاسیر آمده است: «کنون [...] به سراغ فرعون بروید و به او بگویید ما رسول پروردگار جهانیان هستیم: "فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ". جمله "فأتیا" نشان می‌دهد که باید به هر قیمتی هست، با خود او تماس بگیرید» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۲۰۱). اگر واقعاً «اتیان» به معنای رفتن است، این تفسیر با توجه به چه قرینه‌ای جمله اخیر را اضافه کرده است؟ به نظر می‌رسد که این تفسیر در این مورد نگاهی هم به دیدگاه سوم داشته است؛ زیرا در این دیدگاه، «آتی» به معنای «حضور و وصول» است (در ادامه خواهد آمد). شاید هم مستند آنان عبارت یکی از لغت‌شناسان در این زمینه باشد: «مجیء همانند اتیان است؛ اما مجیء اعم [از اتیان] است؛ زیرا اتیان آمدن به سهولت است و اتیان گاهی مواقع به اعتبار قصد است، هر چند چیزی حاصل نشود؛ و «مجیء» به اعتبار حصول است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۱۲). براساس این متن، «اتیان گاهی مواقع به اعتبار قصد است، هر چند چیزی حاصل نشود». ممکن است این مفسران با در نظر گرفتن این عبارت به این نتیجه رسیده باشند که موسی و هارون باید این قصد را داشته باشند که خودشان را به فرعون برسانند هر چند این تلاش ثمره‌ای نداشته باشد. بدیهی است که این دو احتمال نیز نمی‌توانند خلاف ظاهر بودن تفسیر «اتیان» به «رفتن» را توجیه کنند؛ چون به هر حال در هر دو احتمال، باز هم «اتیان» به معنای آمدن است؛

ثانیاً در ادامه در قسمت تفسیر «فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ...» به «آمدن به سوی فرعون» ثابت می‌شود که به کار بردن دو فعل «آتی» و «ذهب» به جای یکدیگر در سوره طه و شعراء در موقعیت بعثت موسی ﷺ ثابت نمی‌کند که این دو فعل به

یک معنا هستند. ازسوی دیگر، بر فرض اینکه در این موقعیت این دو فعل به معنای همدیگر به کار رفته باشند، در نهایت ثابت می شود که در موقعیت های دیگر، امکان چنین چیزی وجود دارد؛ اما ثابت نمی شود که در موقعیت های دیگر نیز حتماً به این شکل است و به گونه دیگری نیست؛ مگر اینکه قرینه محکمی وجود داشته باشد؛ زیرا هر موقعیتی ویژگی های خاص خود را داراست که باید بر اساس آن ویژگی ها کلام و رفتار را تفسیر کرد؛

ثالثاً این گروه از مفسران به طور صریح قرینه قابل توجهی برای پذیرش این خلاف ظاهر ارائه نکرده اند. البته به احتمال زیاد، دلیل اول و دوم به عنوان قرائنی مخفی یا آشکار در این تفسیر مؤثر بوده اند؛ اما به نظر می رسد که این قرائن در اینجا کارایی چندانی ندارند؛ زیرا برای التزام به هر خلاف ظاهری باید قرینه مورد استناد به گونه ای آن را توجیه کند که عرف محاوره ای عقلاً آن را بپذیرد؛ اما به نظر می رسد که این دو قرینه چنین قدرتی ندارند و عرف عقلاً نمی پذیرد که برای ماده «آمدن» معنای متقابل آن، یعنی «رفتن» را در نظر بگیرد. اگر هم شک شود که آیا عرف عقلاً چنین امری را می پذیرد، اصل بر عدم پذیرش است؛ زیرا عرف عقلاً از ادله لَبّی است (ادله غیرلفظی ای که مکلف را به حکمی برسانند) و در این ادله، باید به قدر متیقن اکتفا کرد؛ چراکه گستره این ادله محدود است و تنها در «قدر متیقن» می توانند ثابت کننده حکم باشند (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۳۶ و ۶۲۸)؛

رابعاً در ادامه ثابت می شود که ترجمه و تفسیر آیه به «آمدن» مطابق با معنای اصلی ماده «اتیان»، هماهنگ با حالت روانی موسی و هارون علیه السلام در هنگام دریافت این دستور و مطابق با قواعد بلاغی است. این در حالی است این دیدگاه توجه شایسته ای به این سه نکته ندارد.

۳-۲. تفسیر «اذهباً الی فِرْعَوْنَ» به «آمدن به سوی فرعون»

برخی مفسران در خصوص آیات مورد بحث تصریح می کنند که «امر به اتیان» در این آیه تکرار شده است: «فَأْتِیَاهُ کرر الأمر بالأتیان» (ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ج ۷، ص ۳۳۸). بدیهی است که این عبارت زمانی معنا خواهد داشت که فعل «اذهباً» در آیات قبل به معنای «اتیان» باشد.

بررسی: ناگفته پیداست که این دیدگاه در صورتی دیدگاهی جدا از موارد قبل است که طرفداران آن واقعاً فعل «فَأْتِیَاهُ» را به معنای «آمدن» معنا کرده باشند؛ اما اگر در عالم واقع همانند دیدگاه دوم «فَأْتِیَاهُ» را به معنای «اذهباً» تفسیر کرده باشند، این دیدگاه هم یکی از موارد دیدگاه دوم خواهد بود. با وجود این، چون پیش تر ثابت شد که ماده «أتی» به معنای «آمدن» است، از این رو بر اساس ظاهر تعبیر موجود، این دیدگاه دیدگاهی جداگانه محسوب شد. بررسی منابع موجود نشان می دهد که هیچ استدلالی در خصوص این دیدگاه ارائه نشده است؛ اما به نظر می رسد که مستند اصلی آن همان استعمال دو فعل «اذهب» و «أتت» در یک

موقعیت باشد. با توجه به چهار نکته ارائه‌شده در بررسی دیدگاه قبلی می‌توان گفت که این دیدگاه هم دارای همان چالش‌هاست و به‌طور معقول نمی‌توان از آن دفاع کرد.

۲-۴. تفسیر «فَاتِيَا فِرْعَوْنَ...» به «حاضر شدن پیش فرعون»

تعدادی از مفسران بر این باورند که «اتیان» در این آیات به معنای «وصول و حلول» است: «الْإِتْيَانُ: الوصول و الحلول» (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۱۶، ص ۱۲۶)؛ «فَاتِيَاُ أَمْرٌ يَأْتِيَانَهُ الَّذِي هُوَ عِبَارَةٌ عَنِ الْوَصُولِ إِلَيْهِ بَعْدَ مَا أَمْرًا بِالذَّهَابِ إِلَيْهِ فَلَا تَكَرَّرُ»؛ فَاتِيَاُ امر به اتیانی است که همان وصول به (فرعون) است، بعد از اینکه هر دو به رفتن به‌سوی او امر شدند. از این رو تکرار نیست (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۸، ص ۵۱۱؛ حقی بروسوی، بی‌تا، ج ۵، ص ۳۹۲؛ شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۳: ۴۳۵؛ ابوالسعود، بی‌تا، ج ۶ ص ۱۸؛ حجازی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۴۹۰).

بررسی: چنان که ملاحظه می‌شود، این دسته از مفسران، هم به اختلاف تعبیر قرآنی توجه کامل داشته‌اند و هم از این اختلاف در راستای توجیه عدم تکرار امر در دو فعل موجود در آیات استفاده کرده‌اند. عبارات این تفاسیر نشان می‌دهد که این دیدگاه با توجه به تحلیل عبارت «فَاتِيَاُ» و قرار گرفتن آن بعد از فعل «اذْهَبَا» سامان یافته است: «لأنَّ الْإِتْيَانَ أَثَرُ الذَّهَابِ الْمَأْمُورِ بِهِ فِي الْخُطَابِ السَّابِقِ»؛ زیرا اتیان اثر رفتنی است که در خطاب سابق به آن مأموریت داده شد (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۱۶، ص ۱۲۶)؛ «لأنَّ معنى هذا: الوصول إلى المرسل إليه والذهاب: مطلق التوجه»؛ زیرا معنای این (اتیان)، رسیدن به چیزی است که به‌سوی آن فرستاده شده‌اند و ذهاب، مطلق توجه [به سمت چیزی] است» (ابن عجبیه، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۱۲۷)؛ «لیس هذا مجرد تأکید للأمر بالذهاب لأنَّ معناه الوصول إلى المأْتی لا مجرد التوجه إلى المأْتی كالذهاب»؛ (اتیان) صرف تأکید بر امر به رفتن نیست؛ زیرا معنای آن وصول به مقصد (مأْتی) است؛ نه مجرد توجه به سمت مقصد، همانند رفتن» (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۰، ص ۶۷؛ ابوالسعود، بی‌تا، ج ۶ ص ۱۸).

با وجود این به نظر می‌رسد که این دیدگاه مانند دو دیدگاه قبلی دارای چالش‌های جدی باشد؛ زیرا عبارت‌های تحلیلی این دیدگاه گویای آن است که «اتیان» و «ذهاب» هر دو در «توجه به سمت چیزی» مشترک‌اند. از سوی دیگر، «اتیان» مفهومی ضیق‌تر از «ذهاب» را می‌رساند؛ به همین دلیل، «اتیان» علاوه بر تأکید بر قدر مشترک خود با «ذهاب» (لیس هذا مجرد تأکید للأمر بالذهاب)، بر مفهوم «وصول و رسیدن» نیز دلالت دارد. همچنین عبارت «الْإِتْيَانُ أَثَرُ الذَّهَابِ الْمَأْمُورِ بِهِ» بر این نکته دلالت دارد که «اتیان» حاصل رفتن است. از این رو می‌توان اذعان کرد که در این دیدگاه، «اتیان» همان معنای «ذهاب» یا لازمه یا اثر آن را می‌رساند؛ از این رو تمامی چالش‌های دیدگاه قبلی متوجه این دیدگاه خواهد بود؛ زیرا پیش‌تر ثابت شد که معنای اصلی ماده «أَتَى» آمدن است، نه رفتن. به نظر می‌رسد که وجود همین چالش‌ها باعث شده است که اثری از این دیدگاه در ترجمه‌های قرآن مشاهده نشود.

اگر این دیدگاه وصول و حضور را لازمهٔ اتیان (به معنای آمدن) در نظر می‌گرفت و بر اساس آن، تحلیل‌های خود را ارائه می‌کرد، اشکالات گذشته قابل دفع بودند؛ اما بازهم با چالش‌هایی مواجه بود؛ زیرا اولاً در نظر گرفتن لازمهٔ معنای یک فعل برای همان فعل، خلاف ظاهر و نیازمند قرینه است؛ ثانیاً این تفسیر توانایی دفع دیدگاه رقیب، یعنی تفسیر «فَأْتِيا فِرْعَوْنَ...» به «آمدن به‌سوی فرعون» را ندارد؛ زیرا در ادامه روشن می‌شود که این دیدگاه، هم مطابق با معنای لغوی مادهٔ «أتی» است، هم از جهت بلاغی دلگرم‌کنندگی بیشتری برای مخاطب خود، یعنی موسی و هارون ﷺ دارد و هم با سیاق بیرونی آیه سازگارتر است.

۲-۵. تفسیر «فَأْتِيا فِرْعَوْنَ...» به «آمدن به‌سوی فرعون»

در آغاز بحث اشاره شد که تعداد بسیار کمی از مترجمان عبارت مورد بحث را به معنای «آمدن به‌سوی فرعون» معنا کرده‌اند. همین نگاه در تعداد کمی از تفاسیر دیده می‌شود: «فَأْتِيا فِرْعَوْنَ»؛ پس بیایید به فرعون (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۶ ص ۴۰۶)؛ «پس بیایید بر فرعون» (میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۸۲)؛ «فَأْتِيا: پس بیایید؛ فِرْعَوْنَ: به فرعون» (کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹، ص ۸۱۰)؛ «فَأْتِيا فِرْعَوْنَ»؛ پس بیایید به فرعون (حقی بروسوی، بی‌تا، ج ۶ ص ۲۶۶)؛ «پس بیایید فرعون را» (حسینی شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۹، ص ۴۰۲؛ طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۱۴).

بررسی: به نظر می‌رسد که این دیدگاه از چند جهت قابل دفاع باشد:

جهت اول: مهم‌ترین دلیل این دیدگاه، معنای لغوی مادهٔ «أتی» است؛ زیرا پیش‌تر ثابت شد که این واژه در لغت

به معنای «آمدن» است؛ از این‌رو در این دیدگاه، توجه به معنای لغوی «أتی» به‌طور کامل رعایت شده است.

جهت دوم: به نظر می‌رسد که تصور صحنهٔ صدور این دستور، در ارائهٔ این تفسیر مؤثر بوده است؛ زیرا وقتی در گفت‌وگویی سه‌نفره، یکی به دو نفر دیگر بگوید: «اذهبوا الی مکانِ کذا»، چون متکلم در کنار دو نفر قرار دارد، باید بقیه به سمت نقطهٔ مورد نظر حرکت کنند؛ اما اگر متکلم به‌صورت حقیقی یا ادعایی، به‌سبب دلیلی خاص (که در جهت سوم به آن اشاره می‌شود)، با فاصلهٔ مثلاً صد متر دورتر از دو نفر قرار گیرد و بلافاصله بگوید: «اتّیا هذا المکان»، فرد متوجه می‌شود که این دستور، به معنای آمدن است.

جهت سوم: در برخی منابع عباراتی اضافه شده است که نشان می‌دهد طرفداران این دیدگاه، به حالت روانی و ترس موسی و هارون ﷺ نیز توجه کامل داشته‌اند: «پس به‌سوی فرعون بیایید [من آنجا حاضریم]» (بهرام‌پور)؛ «اتیان به معنای آمدن است و از نظر احاطه بر فرعون تعبیر نموده که رسولان به سوی او آیند» (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۱۰، ص ۴۶۵). برای توضیح بیشتر می‌توان این نکته را افزود: چنان‌که در قسمت قبل روشن شد، در مرحلهٔ اول موسی ﷺ و در مرحلهٔ دوم آن حضرت و هارون ﷺ پس از دستور خداوند برای رفتن به‌سوی فرعون، اظهار ترس کردند؛ لذا در مرحلهٔ آخر، خداوند برای از بین بردن ترس آنان، دستور را در قالب «آمدن» مطرح کرد تا به آنان گوشزد کند که پیش از اینکه شما بخواهید نزد فرعون بروید، من آنجا حضور دارم و به‌طور کامل بر او مسلط هستم.

به عبارت دیگر، هنگامی که خداوند در ابتدا می‌فرماید: «اذْهَبَا»، به موسی و هارون علیهم‌السلام مأموریتی می‌دهد که باید بروند و آن را انجام دهند؛ لذا در این تعبیر، یک تکلیف با همهٔ مشقت‌هایش نهفته است؛ اما در ادامه، وقتی می‌فرماید: «فَأْتِيَا»، گویی مانند کسی است که خودش را زودتر به آنجا رسانده (که البته خدا از این وصف منزّه است) و با این تعبیر به مخاطب اعلام می‌کند که قبل از اینکه شما به آنجا برسید، من خودم در آنجا حضور دارم و هستم؛ از این رو با خیال راحت و بدون نگرانی و ترس بیایید؛ هر حمایتی نیاز باشد، من خودم هستم و انجام می‌دهم.

اگر بر اساس نظر برخی لغت‌شناسان برای مادهٔ «أْتَى» معنای «آمدن همراه با سهولت و آسانی» در نظر گرفته شود، بازهم به حالت روانی این دو پیامبر توجه کامل شده است؛ زیرا وقتی خداوند ابتدا می‌فرماید که من همراه شما می‌شوم و می‌بینم، «ششیدن بیانگر شدت حضور و آگاهی و کنایه از دقت در رعایت حال دو پیامبر است» (قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۲۹۰). از این رو خداوند با دستور «فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ...» به آنان می‌فرماید: (بدون ترس و نگرانی) با سهولت و آسانی نزد فرعون آید [من در آنجا حضور دارم]. بدیهی است که این دستور می‌تواند نقش مهمی در آرامش بخشیدن به این دو پیامبر الهی داشته باشد؛ زیرا علاوه بر اعلام حضور خداوند، به سهولت و آسانی مسیر هم اشاره می‌شود.

ممکن است گفته شود که در نظر گرفتن معنای «آمدن همراه با سهولت و آسانی» برای مادهٔ «أْتَى»، فقط در منابع متأخری مثل مفردات راغب اصفهانی یا التحقیقی علامه مصطفوی آمده است و در منابع اولیهٔ لغت اثری از آن نیست. از این رو در نظر گرفتن آن برای تفسیر این آیات، شایسته نیست. در پاسخ به این اشکال می‌توان گفت: بین معنای این ماده در این دو دسته از منابع، تفاوت ماهوی وجود ندارد و فقط در منابع متأخر به معنای اشاره‌شده در منابع متقدم، قیدی اضافه شده است. از این رو تفاوت چندی در اصل تفسیر و تحلیل بلاغی به وجود نمی‌آید.

جهت چهارم: بر اساس سه نکتهٔ قبل می‌توان ادعان کرد که این دسته از محققان، ضمن توجه کامل و دقیق به اختلاف تعبیر در این آیات، هم معنای اصلی مادهٔ «أْتَى» را در دیدگاه خود مدنظر قرار داده‌اند و هم به فضای صدور دستور توجه داشته‌اند؛ از این رو وجه بلاغی کلام خداوند را به‌طور کامل آشکار کرده‌اند.

در پایان، اشاره به یک اشکال در این زمینه ضروری است خداوند در سورهٔ شعراء خطاب به موسی علیه‌السلام می‌فرماید: «وَإِذْ نَادَىٰ رَبُّكَ مُوسَىٰ أَنْ أَتِ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ * قَوْمٌ فِرْعَوْنَ لَا يَتَّقُونَ» (شعراء: ۱۰-۱۱)؛ در ادامه خطاب به موسی و هارون علیهم‌السلام می‌فرماید: «قَالَ كَلَّا فَادْهَبَا بِآيَاتِنَا إِنَّا مَعَكُمْ مُسْتَمِعُونَ * فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (شعراء: ۱۵-۱۶). در این سوره ابتدا مادهٔ «أْتَى»، سپس مادهٔ «ذهب» و در انتها دوباره مادهٔ «أْتَى» آمده است؛ از این رو بر اساس این ترتیب، به نظر می‌رسد تحلیل بلاغی مورد اشاره در این نوشتار دچار کاستی بزرگی است؛ زیرا تمرکز اصلی آن بر آرامش‌بخشی به موسی و هارون علیهم‌السلام است؛ این در حالی است که بر فرض صحت این تحلیل، این آرامش‌بخشی پیش‌تر با به‌کارگیری مادهٔ «أْتَى» در عبارت «أَتِ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» محقق شده است و نیازی به تکرار آن نیست.

بررسی: به نظر می‌رسد که این اشکال با اندکی تأمل برطرف شود؛ زیرا هم در سوره طه و هم در سوره شعراء دو موقعیت ترسیم شده است: موقعیت اول، بعثت موسی علیه السلام؛ موقعیت دوم، مخاطب قرار دادن موسی و هارون علیهم السلام. بدون شک، این دو موقعیت کاملاً جدا از هم هستند و دلیلی وجود ندارد که ثابت کند هنگام بعثت موسی علیه السلام، هارون علیه السلام هم در کنار وی بوده است؛ بلکه بر اساس آیات بیانگر اعلام مأموریت حضرت موسی علیه السلام، ایشان در آن هنگام وظیفه‌ای نداشتند و به همین سبب یکی از درخواست‌های ایشان این بود که «وَجْعَلْ لِي وَزِيْرًا مِنْ أَهْلِی هَارُونَ أَخِي» (طه: ۳۹-۳۰). بنابراین همه خطاب‌هایی که به‌صورت تشبیه آمده‌اند، پس از اجابت دعای او بوده است.

در موقعیت اول در سوره طه، موسی علیه السلام با فعل «اَذْهَبْ» مأمور می‌شود که به‌سوی فرعون برود: «اَذْهَبْ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى» (طه: ۳۴)؛ اما در سوره شعراء با ماده «أتی» مورد خطاب قرار می‌گیرد: «وَإِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَى أَنْ ائْتِ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ * قَوْمَ فِرْعَوْنَ أَلَا يَتَّقُونَ» (شعراء: ۱۰-۱۱). همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در این دستورها در یکی رفتن به‌سوی فرعون و در دیگری آمدن به‌سوی قوم فرعون مطرح شده است. بنابراین نمی‌توان اذعان کرد که هر دو دستور دقیقاً ناظر به یک مطلب‌اند؛ از این‌رو، اولاً این دو فعل را، با وجود تفاوت ماهوی معنایی، نمی‌توان به یک معنا در نظر گرفت؛ ثانیاً تحلیل بلاغی مورد اشاره در این نوشتار، در همین قسمت نیز قابل اجراء است؛ زیرا ممکن است خداوند در همین موقعیت نیز موسی علیه السلام را دو مرتبه مورد خطاب قرار داده باشد؛ اما در هنگام نقل در قرآن، یکی را در سوره طه و دیگری را در سوره شعراء آورده باشد؛ با این توضیح که خداوند ابتدا با فعل «اَذْهَبْ» به موسی علیه السلام دستور داده باشد؛ در مقابل، آن حضرت همراه با ابراز نگرانی از خداوند درخواست‌هایی را مطرح کرده باشد (طه: ۳۴-۳۵)؛ از این‌رو خداوند برای اطمینان‌بخشی به آن حضرت، مأموریت را به شکل دیگری با فعل «اِئْتِ» ابلاغ کرده باشد.

در موقعیت دوم نیز در هر دو سوره ابتدا ماده «ذهب» (طه: ۴۲-۴۳؛ شعراء: ۱۵) و سپس ماده «أتی» (طه: ۴۷؛ الشعراء: ۱۶) به‌کار رفته است. بر همین اساس، تحلیل بلاغی این نوشتار به‌طور کامل بر آن منطبق خواهد بود؛ با این توضیح که این اطمینان‌بخشی برای موسی علیه السلام تأکیدی، اما برای هارون علیه السلام ابتدایی خواهد بود؛ زیرا وی در موقعیت اول حضور نداشته است. از سوی دیگر، با وجود ابراز ترس مجدد موسی علیه السلام در این موقعیت، تأکید اطمینان‌بخشی نیز ضروری خواهد بود. بر همین اساس، تکرار مجدد این تحلیل در این موقعیت هم قابل توجیه خواهد بود.

نتیجه‌گیری

در این نوشتار ثابت شد:

برای مشخص کردن دیدگاه صحیح در این آیه باید دست‌کم سه نکته روشن را در نظر گرفت:

الف) با توجه به نظر لغت‌دانان، سه معنا برای ماده «أتی» متصور است: «آمدن»؛ «آمدن به سهولت و آسانی»؛

«آمدن و حاضر شدن». تعداد قابل توجهی از لغت‌دانان معنای اول را گزارش کرده‌اند و تعدادی هم برای فرق گذاشتن بین این ماده و فعل «جاء» معنای دوم را پذیرفته‌اند و تعدادی هم طرف‌دار معنای سوم شده‌اند؛
 ب) به لحاظ قواعد بلاغی، در هر مقامی فقط می‌توان یک لفظ را استفاده کرد؛ به گونه‌ای که اگر لفظ دیگری به جای آن به کار رود، معنا فاسد یا ناقص ارائه می‌شود؛
 ج) موسی و هارون علیهم‌السلام در هنگام دریافت دستور الهی برای رفتن به سمت فرعون، با عباراتی ترس و نگرانی خود را ابراز کردند.

مفسران در تفسیر آیه «فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ...» پنج دیدگاه دارند: ۱. عدم ارائه هیچ توضیحی درباره این عبارت؛ ۲. تفسیر این فقره به «رفتن به سوی فرعون»؛ ۳. تفسیر «أَذْهَبَا إِلَى فِرْعَوْنَ» با توجه به عبارت مورد بحث، به «آمدن به سوی فرعون»؛ ۴. تفسیر این عبارت به «حاضر شدن پیش فرعون»؛ ۵. تفسیر عبارت یادشده به «آمدن به سوی فرعون». با توجه به نکته «الف» و «ب»، بدون شک دیدگاه دوم و سوم قابل دفاع نیستند؛ زیرا باعث از بین رفتن قسمتی از معنای آیه و نادیده گرفتن بلاغت قرآن کریم خواهد شد. از بین دیدگاه چهارم و پنجم، به نظر می‌رسد که دیدگاه پنجم قابلیت انطباق بیشتری با سه نکته ارائه شده دارد؛ از این رو ترجمه دقیق آیه این گونه است: «پس نزد فرعون بیایید [من آنجا حاضرَم]» یا «پس با سهولت و آسانی نزد فرعون بیایید [من آنجا حضور دارم]».

منابع

قرآن کریم.

- آلوسی، محمود (۱۴۱۵ق). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن سیده، ابوالحسن (۱۴۲۱ق). *المحکم و المحيط الأعظم*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا). *التحریر و التنویر*. بیروت: مؤسسه التاریخ.
- ابن عجیبه، احمد بن محمد (۱۴۱۹ق). *البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید*. قاهره: حسن عباس زکی.
- ابن مطرزی، أبو الفتح (۱۹۷۹م). *المغرب فی ترتیب المغرب*. حلب: مکتبه أسامه بن زید.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
- ابوالسعود، محمد (بی تا). *ارشاد العقل السلیم الی مزایا القرآن الکریم*. بیروت. دار احیاء التراث العربی.
- ابوالفتح رازی، حسین (۱۴۰۸ق). *روح الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ابوحیان، محمد بن یوسف (۴۲۰ق). *البحر المحيط فی التفسیر*. بیروت: دار الفکر.
- بنت الشاطی، عائشه (بی تا). *التفسیر البیانی للقرآن الکریم*. قاهره: دار المعارف.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق). *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ترجمه های فارسی قرآن. الهی قمشاهی، انصاریان، بهرام پور، پاینده، پورجوادی، حجتی، دهلوی، صلواتی، طاهری، فارسی، فولادوند، گرمارودی، رضایی اصفهانی، مترجم ناشناس قرن دهم، مشکینی، مکارم شیرازی.
- تفتازانی، سعدالدین (۱۴۱۱ق). *مختصر المعانی*. قم: دار الفکر.
- جوهری، اسماعیل (۱۴۱۰ق). *تاج اللغة و صحاح العربیة*. بیروت: دار العلم للملایین.
- حجازی، محمد محمود (۱۴۱۳ق). *التفسیر الواضح*. بیروت: دار الجیل الجدید.
- حسینی همدانی، محمد (۱۴۰۴ق). *انوار درخشان*. تهران: کتاب فروشی لطفی.
- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین (۱۳۶۳). *تفسیر اثنا عشری*. تهران: میقات.
- حسینی شیرازی، محمد (۱۴۲۴ق). *تقریب القرآن الی الأذهان*. بیروت: دار العلوم.
- حقی بروسوی، اسماعیل (بی تا). *تفسیر روح البیان*. بیروت: دار الفکر.
- حمیری، نشوان بن سعید (۱۴۲۰ق). *شمس العلوم*. دمشق: دار الفکر.
- حیدری، محمد (۱۳۸۱). *معجم الأفعال المتداولة و مواطن استعمالها*. قم: مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه.
- خطابی، ابوسلیمان (بی تا). *اعجاز القرآن*. مصر: دار المعارف.
- خطیب قزوینی، محمد (بی تا). *تلخیص المفتاح*. بی جا: منشورات رضی.
- خلفاالله، حمد و سلام، محمد زغلول (بی تا). *ثلاث رسائل فی اعجاز القرآن للرمانی و الخطابی و الجرجانی*. مصر: دار المعارف.
- رازی، محمد (۱۴۲۰ق). *مفاتیح الغیب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ق). *مفردات الفاظ القرآن*. دمشق - بیروت: دار العلم - الدار الشامیه.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۵). *منطق ترجمه قرآن*. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- زمخشری، محمود (۱۳۸۶). *مقدمه الادب*. تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران.
- سبزواری، محمد (۱۴۱۹ق). *ارشاد الازدهان الی تفسیر القرآن*. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۲۱ق). *الإتقان فی علوم القرآن*. بیروت: دار الکتب العربی.

- شوکانی، محمد بن علی (۱۴۱۴ق). *فتح القدیر*. دمشق - بیروت: دار ابن کثیر - دار الکلم الطیب.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
- طبری، ابوجعفر (۱۴۱۲ق). *جامع البیان*. بیروت: دار المعرفه.
- طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا). *التباین فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- طیب، عبدالحسین (۱۳۷۸). *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: اسلام.
- فیروزآبادی، مجدالدین (۱۴۲۶ق). *القاموس المحیط*. بیروت: مؤسسة الرسالة للطباعة و النشر و التوزیع.
- فیومی، احمد (۱۹۸۷م). *المصباح المنیر*. بیروت: مکتبه لبنان.
- قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- قطب، سید (۱۴۱۲ق). *فی ظلال القرآن*. بیروت - قاهره: دار الشروق.
- کاشانی، ملافتح الله (۱۳۳۶). *منهج الصادقین*. تهران: کتاب‌فروشی محمدحسن علمی.
- کاشفی سبزواری، حسین (۱۳۶۹). *مواهب علیه*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات اقبال.
- مدنی، علی خان بن احمد (۱۳۸۴). *الطراز الأول*. مشهد: موسسه آل البيت.
- مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی (۱۳۸۹). *فرهنگ‌نامه اصول فقه*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۵). *التحقیق فی کلمات القرآن*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مکارم شیرازی و همکاران، ناصر و همکاران (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- موسی، حسین و الصعید، عبدالفتاح (۱۴۱۰ق). *الإفصاح فی فقه اللغة*. قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
- مهبیار، رضا (بی‌تا). *فرهنگ ابجدی*. بی‌جا: بی‌نا.
- میبدی، احمد بن محمد (۱۳۷۱). *کشف الأسرار و عدة الأبرار*. تهران: امیرکبیر.
- واعظزاده خراسانی، محمد (۱۳۷۷). *المعجم فی فقه لغة القرآن و سر بلاغته*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- هاشمی، احمد (بی‌تا). *جواهر البلاغه*. قم: بی‌نا.